

لیونی و مسولیت های سیاسی

مقاله ای قدیمی مربوط به 1387

اندیشکده روابط بین الملل - سرانجام پس از ماه ها کشمکش سیاسی انتخابات حزب کادیما برگزار شد و تسیپی لیونی موفق شد با شکست شائول موفاز، رهبری حزب کادیما را عهده دار شود. از آنجا که خانم لیونی شانس زیادی برای رسیدن به مقام نخست وزیری اسرائیل دارد، اندیشکده روابط بین الملل طی سلسله یادداشت هایی قصد دارد ضمن بررسی ابعاد مختلف زندگی وی، مسایل و چالش های پیش روی لیونی را بررسی نماید. در چند روز گذشته بخش اول این مقاله که در زمینه زندگی خصوصی خانم لیونی بود از طریق سایت اندیشکده منتشر شد. بخش دوم این مقاله نیز به مسولیت های سیاسی خانم لیونی می پردازد که از محضر شما می گذرد.

مسولیت های سیاسی

لیونی پس از خروج از موساد، کار خود را به عنوان وکیل آغاز کرد و در همین دوره وارد حزب لیکود شد. پدر لیونی یکی از رهبران برجسته این حزب به شمار می آمد و لیونی نیز به عنوان یکی از رهبران جوان لیکود برگزیده شد و در دوره بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی نیز به عنوان رییس کل شرکت های دولتی منصوب شد. در سال ۱۹۹۹ لیونی از طرف حزب لیکود به پارلمان راه یافت و به عضویت کمیته قانون اساسی، حقوق و عدالت درآمد. علاوه بر این، او عضو کمیته پیشرفت زنان نیز بود. در مارس ۲۰۰۱ لیونی به عنوان وزیر همکاری منطقه ای برگزیده شد. در فوریه ۲۰۰۳ لیونی در سی امین دولت رژیم صهیونیستی، تصدی وزارت مهاجرت را بر عهده گرفت و همزمان به عنوان وزیر مسکن هم ایفای نقش می کرد. در دسامبر ۲۰۰۴ او به عنوان وزیر دادگستری برگزیده شد و در ژانویه ۲۰۰۶ هم به عنوان وزیر خارجه منصوب گشت. علاوه بر این، در می ۲۰۰۶ وی به عنوان معاون نخست وزیر منصوب شد و همزمان در سی و یکمین دولت اسرائیل نیز مسولیت وزارت خارجه را بر عهده داشت. او در خلال نوامبر ۲۰۰۶ تا فوریه ۲۰۰۷ به عنوان وزیر دادگستری هم ایفای نقش کرده است. علاوه بر این، وی مسولیت وزارت کشاورزی و وزارت توسعه روستایی را هم در کارنامه خود دارد. او تجربه حضور در دوره های پانزدهم، شانزدهم، و هفدهم پارلمان را نیز دارد. وی همچنین در سال ۲۰۰۴ موفق شد جایزه "آبیرات ها شیلتون" را که مربوط به کیفیت حکومت داری است از آن خود نماید. در سال ۲۰۰۷م نیز مجله تایم وی را در فهرست "یکصد شخصیت پر نفوذ جهان" قرار داد.

وابستگی های سیاسی

لیونی که به عنوان سیاستمداری عملگرا و صریح شناخته می شود، فعالیت های سیاسی خود را با عضویت در حزب لیکود آغاز کرد و یکی از طرفداران آریل شارون، نخست وزیر سابق رژیم اسرائیل بود. در کابینه شارون، لیونی یکی از حامیان پرحرارت ایجاد دیوار حائل بود و عموماً از سوی هر دو طیف میانه رو و تندرو مورد احترام واقع می شد. او اغلب به عنوان میانجی گروه های مختلف درون حزبی عمل می کرد و اغلب به خاطر تلاش هایش برای دستیابی به نتیجه، مورد تشکر قرار می گرفت. به ویژه تلاش های وی برای عقب نشینی از غزه، بسیار مورد تقدیر پارلمان قرار گرفت.

با این حال با وجود عضویت در لیکود، در سال ۲۰۰۵ به همراه شمار زیادی از شخصیت های صهیونیستی به حزب جدید التاسیس "کادیما" که توسط شارون تشکیل شده بود پیوست و در تدوین و اجرای سیاست های آن درگیر شد. لیونی اولین مقام صهیونیستی است که به صراحت بین حمله چریک های فلسطینی به اهداف نظامی اسرائیل و حمله هایی که علیه شهروندان غیر نظامی انجام می شود، تفاوت قایل است. وی در ۲۸ مارس ۲۰۰۶، در مصاحبه با یکی از کانال های تلویزیونی آمریکا اظهار داشت: "کسی که علیه یک سرباز اسرائیلی می جنگد، دشمن محسوب شده و ما با او مبارزه خواهیم کرد، اما معتقدم این اقدام به معنی تروریسم نیست؛ البته اگر هدف فقط سرباز است."

از لیونی اغلب به عنوان نخست وزیر آینده اسرائیل یاد می شود و این بدین معنی است که او قصد دارد در مسیر گلدامیر گام بردارد. این موضوع به ویژه پس از جنگ ۳۳ روزه با حزب الله بیش از پیش مورد توجه

قرار گرفت. لیونی گرچه با مقابله و نابودی حزب الله موافق بود، اما از نظر تاکتیکی متفاوت می اندیشید. به اعتقاد وی، ارتش اسرائیل نمی بایست جنگ زمینی را با حزب الله را آغاز می کرد و معتقد بود می بایست از بالا اهداف حزب الله را آنقدر بمباران کنیم که آنها چاره ای جز تسلیم نداشته باشند و در پایان نیز از طریق برخی ساختارهای منطقه ای و کشورهای عربی، نسبت به خلع سلاح این گروه اقدام شود.

با این حال شخصیت هایی همچون اولمرت، عمیرپرتز که تجربه چندان در زمینه نظامی نداشتند بر جنگ زمینی تاکید داشتند و در نهایت همین موضوع نیز به شکست اسرائیل از حزب الله منجر شد. پس از این شکست بود که زمزمه هایی مبنی بر برکناری اولمرت و جانشینی لیونی به گوش رسید. پس از آن با طرح فساد اولمرت، لیونی قدرت بیشتری به دست آورد و در حین انتشار گزارش کمیته لینگراد نیز لیونی رسماً از اولمرت خواست که استعفا دهد که با تحقق این امر، لیونی به رهبری حزب کادیم می رسید. پس از آن هم وی می تواند با تکیه بر نفوذ و محبوبیت آریل شارون، در انتخابات آینده پیروز شود. البته لیونی گزینه ایده آلی برای نخست وزیری نیست ولی بین بد و بدتر، ایشان شرایط بهتری دارند و گرنه وی قدرت لازم را برای رهبری اسرائیل ندارد. البته شرایط هم به گونه ای پیش می رود که ممکن است اولمرت در سمت خود ابقا شود.

"گلدامایر جدید" یکی از القابی است که لیونی با آن شناخته می شود و این موضوع بیشتر از شباهت جنسیتی این دو با هم، به دلیل سرسختی و شقاوتی است که همچون گلدامایر در وجود لیونی نیز موج میزند. به دلیل همین ویژگی های شخصیتی، لیونی در بین همکاران خود به "ایتان الرهیب" معروف است که به معنی ترس و عدم تاثیرپذیری است. علاوه بر این ویژگی ها، ارتباط و دوستی نزدیک با مقامات آمریکایی و به ویژه کاندولیزا رایس نیز موضوع مهمی است که از آن به عنوان یکی از علل پیشرفت سریع لیونی یاد می شود. رایس در مصاحبه با نشریه تایم ضمن تایید این موضوع، به نکته های جالبی اشاره کرده است که ذکر می شود:

اواخر تابستان ۱۹۹۹ بود و من در اسرائیل بودم. پریزیدنت بوش هنوز فرماندار بود و من به عنوان مشاور سیاست خارجی او سفر می کردم. در ملاقاتی که با آریل شارون داشتم، با زنی جسور و تحسین برانگیز آشنا شدم که تقریباً همسن من بود و به شارون مشاوره می داد؛ نام او لیونی بود. در مدت کمی، زندگی و کار ما با هم عجین شد. در می سال گذشته، او نیز همچون من به عنوان مسئول سیاست خارجی کشورش برگزیده شد.

آن زمان شرایط بسیار سخت بود: درگیری در غزه، جنگ در لبنان، یک رییس جمهور تندرو در ایران. پایداری و سرسختی لیونی در تحمل این مشکلات، واقعاً تحسین برانگیز بود. این شرایط سخت و اغلب غم انگیز، مصداقی از ویژگی های مثبت لیونی است. لیونی و ایهود اولمرت به دنبال تشکیل یک دولت فلسطینی در اسرائیل بزرگ بودند و همزمان مذاکرات صلح با اعراب هم دنبال شود. بوش و من شدیداً با این عقیده موافق بودیم و حالا این موضوع محور همکاری های من و لیونی است. لیونی فقط همکار من نیست؛ او دوست من است. ما ساعت ها در مورد موضوع های شخصی گفتگو کرده ایم و من از عزت نفس او در دوران کودکی نکته های بسیاری آموخته ام. ما به پدران یکدیگر احترام بسیاری می گذاریم؛ یک پسر موفق که در تقسیم آمریکای جنوبی نقش داشته و یا پدر او که از وطن یهودی خود در نخستین روزهای استقلالش دفاع کرده است. لیونی یک زن محکم، باهوش و صلح طلب است و من قلباً به او احترام می گذارم. من دوست دارم در کنارش باشم و می دانم حتی پس از مرگ نیز دوستی ما ادامه خواهد داشت."